روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۷۴ | سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۹ | اول ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۶ | اذان مغرب: ۱۷:۱۵ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۱۶ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۳ |

نقد کتاب | رامین جهان‌پور

نگاهی به داستان «از آسمان»

دیدار با مردان آسمانی

داستان تقریباً بلند «از آسمان» نوشته زهرا محمدی شروع محکم و خوبی دارد: «غروب جمعه بود. باز دلم مثل همه غروب‌های جمعه گرفته بود. قرآن را برداشتم و شروع به خواندن کردم... نمی‌دانم خواب بود یا واقعیت. چشمانم باز بود اما اتفاقات عجیبی جلوی چشمانم رژه می‌رفت. دو مرد سر تا پا سیاه [سیاهپوش] به سراغم آمدن [آمدند] که از هیبتشان دلم به لرزه افتاد...». نویسنده در همان پاراگراف اول داستان با یک تصویر خیالی وهمناک مخاطب را برای ادامه داستان کنجکاو می‌کند.

شروع داستان ما را یاد داستان‌های تخیلی ژانر وحشت می‌اندازد که ادگار آلن‌پو پایه‌گذار این سبک از داستان‌ها در جهان است اما جلوتر که می‌رویم، متوجه این نکته می‌شویم که نویسنده می‌خواهد قصه مردی را برای ما تعریف کند که آمیخته‌ای از خیال و واقعیت است. این نوع داستان‌ها در سبک سوررئال قرار می‌گیرند. شخصیت اول داستان همیشه در پایان هفته به مزار شهدا می‌رود.

مزار پنج شهید مفقودالاثر برای او تبدیل به مأمنی شده است که به آنجا می‌رود. قرآن می‌خواند و اشک می‌ریزد تا آرام می‌شود و بعد دوباره به خانه برمی‌گردد.

او در یکی از غروب‌های دلگیر پنج‌شنبه ناگهان در عالم خیال و رؤیا پنج شهید گمنام را می‌بیند که یک به یک روبه‌روی او ظاهر می‌شوند و خاطرات زندگی‌شان را از اعزام به جبهه تا لحظه شهادت برای او تعریف می‌کنند و بعد به او می‌گویند که برای رفع مشکلاتش در زندگی همیشه برایش دعا کرده‌اند. یکی از این پنج شهید پسری ۱۵ساله است که زودتر از همه به او خوشامد می‌گوید.

نفر بعدی جوانی ۱۸ساله است که مرد به او می‌گوید: «آره اینجا جایی بود که به من آرامش می‌داد و تنها جایی بود که اگر یک پنج‌شنبه نمی‌آمدم، روزم شب نمی‌شد.»

شهید بعدی حمیدرضاست که ۲۵ساله است و تازه نامزد کرده و قرار بوده بعد از عملیات عروسی کند که شهید می‌شود و نفر بعدی مردی ۳۵ساله است که به او می‌گوید: «میدونی ما هیچ‌کسی رو نداشتیم که پنج‌شنبه‌ها سراغمون بیاد، اما تو هر پنج‌شنبه با گلاب و قرآن سراغ ما اومدی و یادم نمی‌آید که توی این دو سال یک بار ما را از یاد برده باشی. وقتی صدای سوره «یس و الرحمن» به گوش ما می‌رسید، چقدر خوشحال می‌شدیم...». نگاه داستان به سوژه‌ای که انتخاب کرده بسیار بکر است. او به قامت داستانش پیراهنی از خیال و وهم پوشانده و همین داستان را خواندنی کرده است. فضا و مکان داستان مزار شهداست.

در طول داستان دیالوگ‌هایی که بین راوی و شهدای گمنام رد و بدل می‌شود، ما را با طریقه زندگی و اهداف و آرمان‌های آن پنج شهید آشنا می‌کند. در واقع پیرنگ اصلی داستان در صحبت‌های راوی و شهدا شکل می‌گیرد، تا لحظه‌ای که داستان به پایان می‌رسد.

نویسنده می‌توانست داستانش را خیلی ساده و به صورت خطی بنویسد اما این کار را نکرده، او با استفاده از عنصر خیال شکل و شمایلی نو به ساختار داستانش داده و آن را از کلیشه‌ها دور کرده است اما با این همه، داستان «از آسمان» از دو ضعف اساسی رنج می‌برد؛ یکی اینکه عامیانه نوشته شدن داستان به پرداخت آن ضربه زده است.

برخی نویسندگان جوان برای اینکه داستانشان را امروزی و مدرن نشان بدهند به زبان عامیانه یا محاوره روی می‌آورند و این اشتباه بزرگ آنهاست، چون شکستن کلمات نه تنها به تازه بودن نثر کمک نمی‌کند بلکه خواندن متن را سخت‌تر هم می‌کند و دومین ضعف کتاب هم این است که داستان به صورت حرفه‌ای ویرایش نشده است.

بعضی از کلمات کامل نیستند، مثلاً بارها در پرداخت و نه در دیالوگ، نویسنده واژه خواستند را (خواستن) تلفظ کرده یا رفتند را که یک فعل است (رفتن) نوشته که اشتباه است و در بعضی قسمت‌ها نویسنده انگار یادش رفته که در نوشتن داستان باید از علائم نگارش هم استفاده کرد.

ما در کل داستان در شروع و پایان دیالوگ‌ها علامت گیومه‌ای نمی‌بینیم و در چینش کلمات و جمله‌بندی‌ها از علامت نقطه و ویرگول و تعجب و سؤال خبری نیست. داستان «از آسمان» با قطعی رقعی در ۴۸صفحه توسط انتشارات نظری منتشر شده است.

کتابخوانی

حکمت

پیامبراکرم(ص):

بهترین کارها نزد خدا نماز به وقت است، آنگاه نیکی به پدر و مادر، آنگاه جنگ در راه خدا.

(نهج الفصاحه ص ۱۶۷، ح ۷۰)

گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتابی تحسین‌شده درباره سردار دل‌ها

پیام «هفت‌خوان سلیمان» مقاومت و ولایتمداری است

سمانه محمدی

«هفت‌خوان سلیمان» کتابی در مورد سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی است که انتشارات خط هشت به تألیف «وفا منافی اردبیلی» آن را منتشر کرده است. این کتاب در یادواره شهدای عملیات کربلای ۴ و ۵ در اردبیل رونمایی شد. از وفا منافی تاکنون پنج جلد کتاب در زمینه‌های عاشورایی و دفاع مقدس با عناوین «کلاف وفا»، «معراج خون»، «امواج خون»، «حماسه عشق» و «هفت‌خوان سلیمان» منتشر شده است. «جوان» با این نویسنده به گفت‌وگو نشسته است.

نوشتن برای شما جوششی از درون است یا نیازی برای بیان حرفی تازه؟

از اوایل نوجوانی علاقه نوشتن و سرودن شعر را در خودم احساس کردم و فهمیدم که حرف‌هایی برای گفتن دارم و دوست دارم سخن را بشناسم، سخن را کشف کنم و به گونه تازه‌ای سخن بگویم، از درونم جوششی را احساس می‌کردم که نیازمند یک وسیله بود تا به بیرون انتقال یابد و شعر همان ظرفی بود که احساسات من را منظم ساخت و به هیجانات و اتفاقات روحم قالب و شکل هنری بخشید. همان روزی که تمام فنون شعر را یاد گرفتم، غزلی در وصف مولای متقیان علی بن‌ابیطالب سرودم که با تمام واژه‌ها و مصراع‌های آن شعر خاطره دارم و برایم شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی بود، درست مثل کودکی که اولین بار حرف زدن را یاد می‌گیرد.

اولین تألیف شما در چه زمینه‌ای بود؟

اولین تألیف من در سال ۱۳۸۶ بود که کتاب حماسه عشق را به چاپ رساندم، در حالی که فقط ۲۰سال داشتم، حتی وقتی کتابم به بازار آمده بود، من در پاسگاه دور افتاده‌ای در شهر یزد دوران سربازی را سپری می‌کردم، این کتاب شامل اشعار عرفانی، نصایح و مرثیه بود که من معتقدم این کتاب دلیلی شد تا من در دنیای سخن و شعر بمانم و به تلاش و کوششم ادامه دهم.

کتاب هفت‌خوان سلیمان چگونه خلق شد؟

هفت‌خوان سلیمان بحمدالله از طرف صاحبنظران و منتقدان ادبیات مورد تمجید و تکریم قرار گرفت و استقبال گرمی از سوی مردم و کتاب‌دوست‌ها دیده شد. این کتاب یکی از آثاری است که من آن را ادای دین خودم به شهدا می‌دانم، البته فقط ذره‌ای از آن دین بزرگ و از آنجا که سردار سلیمانی در روح و فکر من دنیایی دیگر خلق کرده بود، من دیگر او را یک شخص یا یک فرد نمی‌دیدم بلکه او را یک مکتب و یک ایدئولوژی می‌دیدم؛ مکتبی پاینده و بیدار، مکتبی پاک و ساده که زلال‌ترین روایت شهادت بود و چون جای‌جای زندگی این شهید بزرگ سرشار از گفتنی‌ها بود، خیلی فکر کردم تا عنوانی بامسما و جامع بیابم تا بتوانم در یک چارچوب مشخص از سردار سلیمانی بنویسم و در طول و عرضی معین شروع کنم یک حرکت را شرح دهم و در پایان نتیجه‌ای کامل و جامع بگیرم. تا اینکه همه چیز دست به دست هم داد و عنوان هفت‌خوان سلیمان خلق شد.

ادبیات دفاع مقدس به نظر من در این شرایط جامعه مصداق نیروی تقویت‌کننده و محرک را دارد، زیرا هر لحظه آرمان‌ها و اهداف اصلی ما را برایمان یادآوری می‌کند

چطور شد که از شهید سلیمانی نوشتید؟ خودتان سراغ سوژه رفتید یا به شما پیشنهاد شد؟

سردار سلیمانی از معدود چهره‌هایی بود که به گروه یا قشر خاصی منحصر و محدود نبود. همه عاشق او بودند و او عاشق همه بود! هیچ وقت هموطنانش را بر حسب لباس و سلیقه فکری تقسیم‌بندی نمی‌کرد، اصلاً از «تقسیم» کردن متنفر بود و همیشه به دنبال «جمع» بود و این از معجزات اخلاقی ایشان بود که من را نیز مثل همه مجذوب و شیفته خود کرده بود تا جایی که حتی در اشعار عاشورایی و حماسی خود از ایشان یاد می‌کردم که نمونه آن در سال ۹۵ در مراسم طشت‌گذاری مسجدجامع خوانده شد و یک بند از آن شعر اینگونه بود:

مدافعان حرم مژده الهی سیزون، ستاره یوخ فلکین
آفتاب و ماهی سیزون، دعای خلق سیزون، خالقین پناهی سیزون
دئمم بو نوکری با عز و احترام آپارون/ منی امیر سلیمانیه غلام آپارون...

شاید کمی اغراق‌آمیز باشد اما معتقدم که من انتخاب نکرده‌ام بلکه انتخاب شده‌ام، از روزی که نام این کتاب به من الهام شد، فهمیدم مسئولیتی بر شانه‌هایم نهاده شده است و روح سردار این سربازِ شاعر را به سرودن این کتاب فراخوانده است.

چرا عدد هفت را برای کتاب خود انتخاب کردید؟

هفت همیشه در ذهن ما ایرانی‌ها عددی مقدس بوده است و در دنیای حماسه و عرفان نیز با تعابیر هفت شهرعشق و هفت‌خوان رستم آشنا شده‌ایم. با مدد گرفتن از این عدد، زندگی و عقاید سردار سلیمانی را در هفت فصل و هفت‌خوان جداگانه تحقیق و بررسی کردم و از هفت پنجره مشخص و مهم به او و آرزوها و اعتقاداتش نگاه کردم که نتیجه‌اش عنوان «هفت‌خوان سلیمان» شد.

چطور شد که شما در این کتاب هم از نثر و هم از شعر زیبا استفاده کردید و باعث متفاوت شدن این کتاب شدید؟

در این کتاب همه چیز قدم به قدم و صفحه به صفحه خلق می‌شد و تمام سبک‌ها و قالب‌ها بنا به نیازها و ضرورت‌ها به کار گرفته می‌شد. من دیدم و فهمیدم که حرف‌هایی وجود دارد که در قالب نثر زیباتر و راحت‌تر بیان می‌شود ولی لحظه‌ها و مضمون‌هایی هم وجود دارد که فقط با زبان شعر می‌شود انتقال داد، پس بر آن شدم تا هم از نثر استفاده کنم هم از شعر. در نثر توانستم پیچیده‌ترین عملیات‌ها و سخت‌ترین میدان‌ها را به زبان ساده توضیح دهم و تصاویر را به راحتی با حروف الفبا برای مخاطبان نشان دهم و در شعر توانستم مفاهیم عرفانی و آسمانی را با آهنگی پرشکوه و وزنی محتشم به نظم بکشم.

این کتاب چه پیام‌هایی برای نسل جوان دارد؟

پیام این کتاب برای جوانان در یک کلام «مقاومت و ولایتمداری» است، چون این دو اساس و پایه تمام پیروزی‌ها و فتوحات است. ما اگر مقاومت را بیاموزیم در سخت‌ترین شرایط ناامید نخواهیم شد، ما اگر مقاومت را بیاموزیم برای استقلال و خودکفایی تلاش خواهیم کرد، ما اگر مقاومت را بیاموزیم در مقابل دشمنان احساس ترس و ضعف نخواهیم کرد و ما اگر مقاومت را بیاموزیم، تمام حیله‌ها و توطئه‌های استکبار جهانی را خنثی خواهیم کرد و با درک ولایت از سخت‌ترین و مه‌آلودترین برهه‌ها به سلامت خواهیم گذشت و با ایمان به رهبری به سوی سعادت دنیا و آخرت رهسپار خواهیم شد.

فکر می‌کنید ادبیات دفاع مقدس در این فضای جامعه چقدر می‌تواند تاثیرگذار باشد؟

ادبیات دفاع مقدس به نظر من در این شرایط جامعه مصداق نیروی تقویت‌کننده و محرک را دارد، زیرا هر لحظه آرمان‌ها و اهداف اصلی ما را برایمان یادآوری می‌کند. ادبیات دفاع مقدس می‌تواند در لباس هنر نقش یک هشداردهنده را ایفا کند و گاه می‌تواند با یک اثر ظریف و شاعرانه زنگ‌های خطر را با جدیت تمام به صدا درآورد و به همه مردم و مسئولان اعلان آماده‌باش دهد. ادبیات دفاع مقدس باید مدام با خلاقیت و نوآوری احیا شود و با ایجاد جذابیت و ابتکار همه را به شنیدن و تماشای ابعاد وسیع و گسترده دفاع مقدس دعوت نماید.

به عنوان نویسنده کتاب دفاع مقدس انتظار شما از دستگاه‌های فرهنگی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت چیست؟

خطاب به دستگاه‌های فرهنگی فقط یک جمله می‌گویم؛ یادتان نرود که شما امروز در خط مقدم جبهه‌های حق علیه باطل هستید، اگر خود را در چنین سنگری و چنین جایگاهی ببینید، بی‌شک لحظه‌ای از تلاش و مجاهدت باز نخواهید ایستاد.

نما | حسین کشتکار

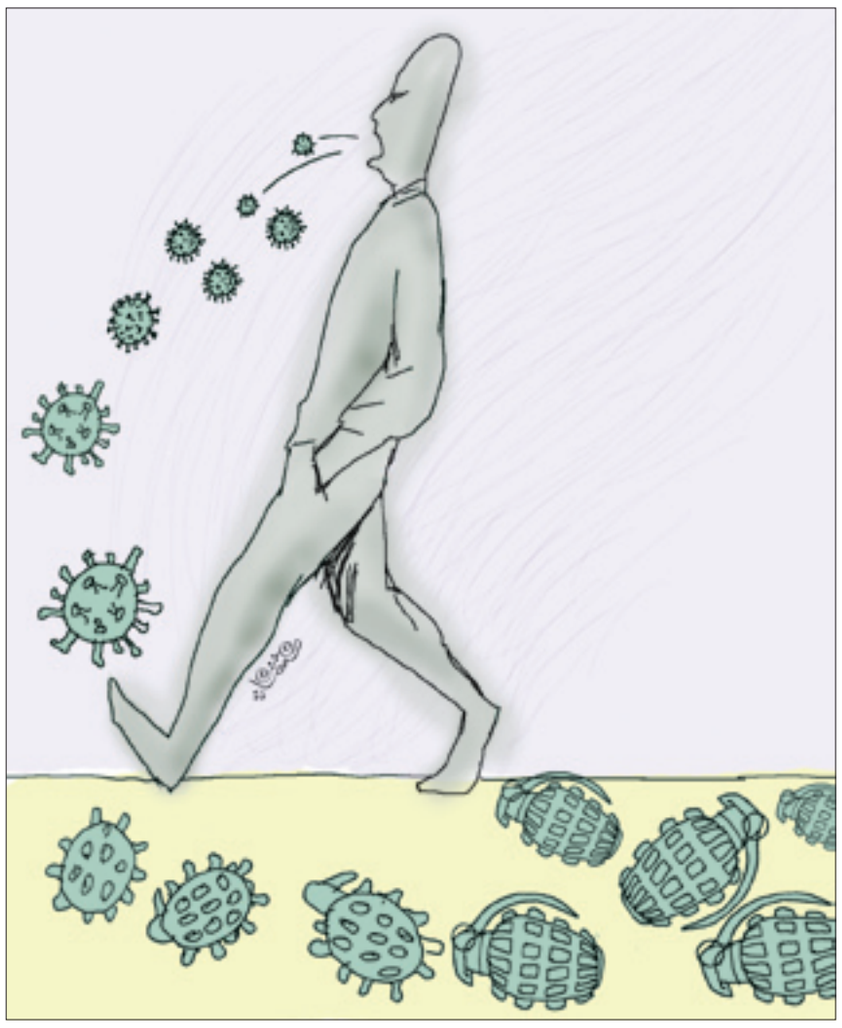

سینمای جهان

خسرو معتضد: انفعال سینمای ایران مقابل جعل سینمایی بیگانگان شرم‌آور است

کارگردان فیلم «تومیریس» که اصلاً فیلمساز درجه چندمی است، تنها جایزه‌ای که دارد از جشنواره فیلم فجر خودمان است و این انسان نامرد رفته علیه جایی که جایزه گرفته، فیلم ساخته است.

خسرو معتضد، کارشناس و پژوهشگر تاریخ کشورمان با بیان این مطلب درباره تولید فیلم قزاقستانی «تومیریس» به تسنیم گفت: تومیریس فیلمی در دنباله سیاست‌های هالیوودی علیه ملت و تاریخ ایران است که این بار با پول قزاقستان ساخته شده است. انتشار این فیلم در هفته اول آبان و مصادف با تولد کوروش نیز در نوع خود جالب توجه بود.

معتضد در ادامه می‌گوید: حقیقت این است که قزاق‌ها دنبال تاریخ‌سازی با آثار فرهنگ و هنر ایرانی هستند، حتی در این کشور ۵۰۰هزار شیعه وجود دارد که به ایران و تاریخ آن علاقه دارند. الان از میان کشورهای تجزیه‌شده از جمهوری شوروی برخی از مقامات آنها تصاویر خود را کنار شاه‌عباس می‌گذارند و می‌گویند که «شاهان ترک در حال حکومتند». شاه‌عباسی را که مادرش از سادات مرعشی بوده و اجدادش از کیاهای مازندران بوده، ترک جا زده‌اند، در حالی که شاه عباس ایرانی‌ترین شاه ایران بوده است و حتی پایتخت ایران را به قلب ایران یعنی اصفهان برده و مشوق ادب و هنر بوده و حتی ترک‌های عثمانی را بیچاره کرده است، پس این تاریخ‌سازی برای خودشان از تاریخ و فرهنگ و هنر ایرانی است.

در قزاقستان نورسلطان نظربایف دختری دارد به نام آلیا که در حقیقت چون مسلمان هستند نام درستش آلیه است، اصلاً ۷۰درصد مردم قزاقستان مسلمانند، خانم آلیه هم می‌خواهد که رئیس‌جمهور این کشور بشود. زمانی که پدر او بر سر کار بود کارهایی می‌کرد که با عرف مردم قزاقستان همسو نبود. بعد از اینکه پدرش را از کار برکنار کردند او مانند دختر قذافی دوست دارد که به ریاست جمهوری قزاقستان برسد.

این پژوهشگر تاریخ می‌افزاید: این فیلم از نظر سینمایی و مخاطب‌پسندی دیدنی است اما تماماً دروغ است، به نظر من این فیلم بدون کمک هالیوودی‌ها ساخته نمی‌شد و حتماً سازندگانش مشاورانی از هالیوود برای ساخت آن دارند. این فیلم گنداب جعلیات جغرافیایی و تاریخی است.

اگر به این تابلوهایی که درباره آنها کشیده شده است نگاه کنید، می‌بینید که چقدر از جنایت و سر قطع کردن و دست و پا بریدن نقاشی کشیده است ولی کوروش به اعتراف هرودوت انسان ملایمی بود که اهل این وحشی گری‌ها نبود اما به علت غفلت ما و به تعبیر مرحوم اقبال آشتیانی، معنویات ما را دارند غارت می‌کنند. نگاه کنید به تحریف‌های چندساله اخیر، می‌گویند که «فردوسی افغانی بوده است»، «مولوی ترک بوده است»، در حالی که مولوی یک بیت ترکی ندارد اما از آن خود کرده‌اند. معتضد می‌گوید: نکته مهمی که اینجا باید اشاره بکنم این است که این کارگردان که اصلاً فیلمساز درجه‌چندمی است، تنها جایزه‌ای که دارد از جشنواره فیلم فجر خودمان است و این انسان نامرد رفته علیه جایی که جایزه گرفته فیلم ساخته است. بازیگر فیلم به کمک بدل‌هایش طوری بازی می‌کند که دست‌کمی از رستم دستان ندارد و شبیه ابراهیم خلیل عقاب است که با دندان اشیای سنگین را از زمین بلند می‌کرد، تومیریس فقط آدم می‌کشد زیرا ماساگت‌ها نه کشاورزی و نه دامداری بلد بودند، فقط آدم‌کشی می‌دانستند و برای اینکه فیلم طولانی شود، چند جنگ قبیله‌ای راه می‌اندازند و سرانجام تومیریس ازدواج می‌کند.

کارگردان بی‌شرف فیلم گفته که «مردم ایران از ما دلخور نباشند.» در ادامه فیلم می‌بینیم که کوروش سفرایش را عمامه‌به‌سر به این کشور می‌فرستد که تحریف دارد، عمامه چیزی است که بعد از ورود اسلام به ایران باب می‌شود. زمان کوروش که اسلام وارد ایران نشده است. این تصویر عمامه را به عمد گذاشته‌اند تا کنار تحریف تاریخی متلکی هم به مسلمانان ایران گفته باشند، آیا در نقوش تخت‌جمشید انسانی با عمامه به سر می‌بینید یا در طاق‌بستان؟ ما تنها کلاه مادها یا کلاه هخامنشی داشتیم. در فیلم «۳۰۰» نیز لباس ایرانی‌ها مانند لباس اعراب بود.

بنابراین فیلم تومیریس فیلمی سراسر تحریف و جعل کینه‌توزی بر سر ملت ایران است، فقط و فقط برای اینکه خانم نظربایف بتواند با گنده کردن خودش به ریاست‌جمهوری برسد، واقعاً باید دید که سینمای ایران در مقابل چنین فیلمی که نمونه دیگرش یعنی ۳۰۰ بود چه اقدامی می‌کند.

ادبیات

حدادعادل در مراسم اختتامیه «هجدهمین دوره کتاب سال دفاع مقدس»:

ادبیات حماسی ما با دفاع مقدس غنا پیدا کرد

سیدمرتضی ذاکر

رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی با تأکید بر اینکه با رخداد دفاع مقدس، ادبیات حماسی‌مان غنا پیدا کرده است، می‌گوید: ادبیات دفاع مقدس انفجار ادبی بود که می‌تواند در سینمای دفاع مقدس نیز مورد استفاده قرار گیرد.

غلامعلی حدادعادل روز گذشته در مراسم اختتامیه «هجدهمین دوره کتاب سال دفاع مقدس» که در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد، گفت: بعد از جنگ وظیفه ادبیات دفاع مقدس است که آینه‌ای درست کند و نور خورشید دفاع مقدس را برای نسل جوان بازتاب دهد، این کار وظیفه‌ای زینب‌گونه و کار بسیار سنگینی است. رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی با اشاره به اینکه کشورهای غربی از جنگ‌های جهانی اول و دوم بیشترین استفاده را برای تولید ادبیات برده‌اند، گفت: می‌بینید در جنگ‌های جهانی اول و دوم کشورهایی که پیروز شدند تا چه اندازه رمان، کتاب و فیلم سینمایی درباره آن تولید کرده‌اند و در موزه‌های خود به سربازان و رزمندگان آن افتخار می‌کنند، هنوز پس از گذشت بیش از هفت دهه از جنگ جهانی دوم کشورهای غربی در حوزه ادبیات جنگ تولید دارند اما ما برای دفاع مقدس خود چه کرده‌ایم؟ یادآوری دفاع مقدس فقط احترام به رزمندگان و شهدا نیست، بلکه وظیفه مهم‌تری در پیش است که باید با حفظ آثار دفاع مقدس راه را برای آیندگان روشن کنیم. بسیاری از جوانان را می‌شناسم که رزمندگان و شهدایی مثل شهید ابراهیم هادی یا شهید آوینی را الگوی خود قرار داده‌اند و البته از همه برتر شهید سلیمانی را که الگوی الگوهای دفاع مقدس است، الگوی زندگی‌شان قرار داده‌اند.

حدادعادل خاطرنشان کرد: معتقدم ادبیات فارسی با ادبیات دفاع مقدس غنا پیدا کرده است. پیش از این ادبیات حماسی داشتیم اما مربوط به هزار سال پیش بود، حالا با رخداد دفاع مقدس و ادبیات خاص آن، ادبیات حماسی‌مان غنا پیدا کرده است. ادبیات دفاع مقدس انفجار ادبی بود که ظرف ۲۰سال گذشته تولید شده، اینها ظرفیتی است که می‌تواند در سینمای دفاع مقدس نیز مورد استفاده قرار گیرد. سردار کارگر دیگر سخنران این مراسم با تأکید بر این نکته که باید دفاع مقدس را برای نسل جدید به درستی تعریف، توصیف و تحلیل کنیم، اظهار داشت: پیشنهاد می‌کنم تاریخ و به‌ویژه قراردادهایی مثل ترکمانچای و گلستان را مطالعه کنید، در این قراردادها یا زمین دادیم یا نیرو دادیم یا امتیاز اما در دفاع مقدس حتی یک وجب هم از خاک ما جدا نشد، در حالی که ۳۶ کشور دنیا اعتراف کرده‌اند که به صدام کمک کردند. چنین قیاس‌هایی مردم را نسبت به بزرگی دفاع مقدس آگاه می‌کند.

کتاب

توسط انتشارات شهید کاظمی

«مربع‌های قرمز» به چاپ بیست‌وششم رسید

کتاب «مربع‌های قرمز» شامل خاطرات شفاهی حاج حسین یکتا توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ بیست و ششم رسید.

به گزارش مهر، کتاب «مربع‌های قرمز» شامل خاطرات شفاهی حاج حسین یکتا اثر زینب عرفانیان، به تازگی توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ بیست و ششم رسیده است. این کتاب همزمان با پایان شهریور امسال و هفته دفاع مقدس به چاپ دوازدهم رسیده بود.

«مربع‌های قرمز» روایت‌هایی از بازیگوشی و شوخی‌های رزمندگان و سربازان امام خمینی(ره) را از روزهای جنگ، امدادگری، شناسایی و چشیدن طعم تلخ قطعنامه پایان جنگ در بر می‌گیرد. این روایت‌ها در قالب ۱۴ فصل، ناگفته‌هایی از جنگ و سبک زندگی جهادی رزمندگان را شامل می‌شود. خیابان چهارمردان قم، درس اخلاق آیت‌الله احمدی میانجی و... از دیگر مطالبی هستند که حاج حسین یکتا در خاطرات شفاهی خود به آنها اشاره کرده و در این کتاب درج شده‌اند. چاپ بیست و ششم این کتاب در ۵۴۳ صفحه و به قیمت ۵۵هزار تومان عرضه شده است.

به مناسبت هفته کتابخوانی مطرح شد

امرالله احمدجو چه کتاب‌هایی را برای مطالعه پیشنهاد کرد

زمانی که دوستان و آشنایان کتابخانه شخصی مرا می‌بینند، سؤال می‌کنند که آیا همه این کتاب‌ها را خوانده‌ام؟ و من هم پاسخ می‌دهم تعدادی از این کتاب‌ها مرجع هستند که برای کارهای پژوهشی به آنها مراجعه می‌کنم و تعداد دیگری را هم از ترس اینکه نایاب شوند خریداری کرده‌ام و در نوبت مطالعه هستند و تعداد دیگری را نیز مطالعه کرده‌ام.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، امرالله احمدجو، فیلمنامه‌نویس و کارگردان با بیان این مطلب و با پیوستن به پویش «کتابخوانی ملی» که به همت این سازمان برگزار شده است، عنوان کرد: روح انسان به کتاب خواندن، دانستن و اندیشیدن احتیاج دارد. همان‌طور که در بحران شیوع ویروس کرونا از سلامت جسم مراقبت می‌کنیم، باید مواظب سلامت روح نیز بود.

او ادامه داد: در زمینه مطالعه کتاب تجربیاتی دارم و آثار بسیاری از بزرگان و مشاهیر را خوانده‌ام. زمانی که دوستان و آشنایان کتابخانه شخصی مرا می‌بینند، سؤال می‌کنند که آیا همه این کتاب‌ها را خوانده‌ام؟ و من هم پاسخ می‌دهم تعدادی از این کتاب‌ها مرجع هستند که برای کارهای پژوهشی به آنها مراجعه می‌کنم و تعداد دیگری را هم از ترس اینکه نایاب شوند خریداری کرده‌ام و در نوبت مطالعه هستند و تعداد دیگری را نیز مطالعه کرده‌ام. احمدجو گفت: تعجب دوستان از وجود تعداد زیاد کتاب‌ها نشان می‌دهد که علاقه چندانی به مطالعه ندارند. این در حالی است که مطالعه کتاب در زندگی هر فرد اهمیت بسیاری دارد و به دلیل اهمیت موضوع کتابخوانی، به دوستانی که اهل مطالعه نبوده‌اند، توصیه می‌کنم سراغ کتاب‌های سنگین نروند و از خواندن کتاب‌هایی که مورد علاقه‌شان است، شروع کنند تا با خواندن درباره موضوعاتی که دوست دارند، لذت کتابخوانی را درک کنند و اگر این لذت درونی شود، هرگز از کتاب غافل نمی‌شویم.

او افزود: پویش «کتابخوانی ملی» که توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران آغاز شده، اقدام خوبی است که با پیوستن افراد به این پویش می‌توان به مقوله کتابخوانی رونق بخشید و پیشنهادهای خوبی را در حوزه کتاب و کتابخوانی به اشتراک گذاشت. در همین راستا مطالعه متون کهن فارسی از جمله آثار سنایی غزنوی، خمسه نظامی، گلستان سعدی، دیوان حافظ، مثنوی، دیوان شمس و شاهنامه فردوسی را به عموم مردم پیشنهاد می‌کنم، زیرا با این کتاب‌ها می‌توان به عمق فرهنگ ایرانی پی برد. همچنین برای اهل تخصص و دانشجویانی که در رشته سینما تحصیل می‌کنند، خواندن کتاب «دیالوگ» نوشته رابرت مک کی را که از سوی انتشارات ساقی منتشر شده است، توصیه می‌کنم. این کتاب اثری جامع درباره دیالوگ‌نویسی است. من این کتاب را بارها خوانده‌ام و مطالب بسیاری از آن یاد گرفته‌ام. معتقدم کتاب «دیالوگ» سرشار از نکات تازه‌ای بود که به آنها فکر نکرده بودم و از آن بسیار آموختم.